



تاریخ روز : ۱۳۹۷/ ۰۴/ ۰۷

تاریخ ثبت : ۰۱ تیر ۱۳۹۵

عنوان : شرایط دیدار امام زمان (عج)

«بسمه تعالی»

شرایط دیدار امام زمان (عج)

اولیاء الله در سیر ولایت هر کدام از گذری پیش می‌رفتند. یعنی آنهایی که بر آن بودند تا جمال حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدار نمایند، از طرق مختلف بود. بعضی نظرشان بر آن بود که دیدار حضرت ناگهانی پیدا می‌شود، آنگاه که گرفتاری‌های بی حد برای انسان راهی (یعنی راهی این وادی) باشد. هر آنگاه که عموم درها بر روی او منسدّ شد، بسته شد، و هیچ روزنه امیدی احساس نمی‌کرد، و در حقیقت خویش را منسلخ از جهان ناسوت می‌یافت، و هیچ چهره‌ای را نه معین، نه شریک، نه دلسوز، نه یاری دهنده می‌یافت، همه این فاصله‌ها میان او و افراد زمان حاکم بود، یا آنقدر او را می‌رانند که نه بهای فکری، نه بهای روانی، نه بهای وجدانی بر او داده نمی‌شد پس از این منفی‌ها مآلاً و نتیجتاً رانده می‌شد، یا مردودی او عبارت از نداشتن مقوم بود، عبارت از نداشتن انیسی بود، عبارت از نداشتن پناهگاهی بود، عبارت از نداشتن دلسوز یا جگر سوزی از آن خود پنداشتی. یعنی او با این پدیده‌ها در جهان تنها بود، و گاهی این تنهایی شامل همراهان و همدل بودن با کسی، و نبودن فردی که اسرارش را بر او فرو ریزد، یا دردش را بر او ابراز نماید، یا اندوهی که در دل دارد، بر کسی نتواند آشکار سازد، این را اساس تنهایی دانند. و گاهی اساس تنهایی، تنهایی چشم بود، به آنچه نگاه می‌کردی، آشنا نبودی، آنچه چشم را پر می‌نمودی، از او نبود، آنچه را که باید در شاه نشین چشمش تکیه‌گاه باشد، نیافتی؛ و به هر چه می‌نگرد یا می‌نگریست، به ظاهر آشنا ولی در واقع بیگانه و هراس آن را و بیم آن را داشتی که اگر او را به آشیانه چشمش فراخواند جز بیگانگی و بی وفایی از او نبیند! یعنی نظر اولیاء الله بر اینجا طی شد که هر کس اینگونه تنها در زندگی باشد، همین تنهایی هیئت جاذبه امام زمان را در قلبش می‌کشاند، یا در خزانه حسش، یا در حضور و حاضر جمعی. به دیگر عبارت گفته‌اند او زمانی می‌تواند چهره آن حضرت را لمس کند که این همه محرومیت‌های تنهایی از آن او باشد. آنگاه که همه محرومیت‌های گفته شده، برای این انسان شرقی، انسان غربی، انسان ایرانی، انسان دمشقی، انسان بحرینی، انسان به نام انسانیت (!) که موجود شد، همانجا زمینه ملاقات با حضرتش آماده می‌شود. پس طبق این نظر رؤیت جمال امام زمان پس از این محرومیت‌ها خواهد بود. لذا آنهایی که زیاد مشتاق دیدار حضرتند، تن بر این تنها بودن‌ها می‌دهند و بس. اینهایی که گفته شده، یک سلسله مطالبی است که یا از بیان سالک‌ها، یا از بیان خلیل‌ها، یا از بیان انسان وارسته در مسیر رؤیت امام زمان بیان شده است. بعضی گویند که دیدار جمال آن حضرت از ناله‌هاست. همان دعای ندبه که عموماً آن را می‌خوانند و به حالت فریاد، ناله، استغاثه، التماس، از آن حضرت درخواست ملاقات دارند، و از آن حضرت درخواست می‌کنند که ما خاک‌سار توئیم، ما هر چند عارضه هایمان مانع گردد که جمال الهی تو را ببینیم، ولی تقاضای ما از شما همان ناله‌های ماست. همان اشک‌های ما هست، همان رفتار درونی ما هست که حالتمان از لب و چشممان نمودار است. این گروه را جویندگان مستغیث نامند. تا چه حد اینها با رضای او، با میل او، با قرب او، با ولای او درست باشد، جز حضرتش کسی نداند. این دو گروه یعنی گروهی از گذر فقر مطلق، گروهی از گذر درخواست مطلق التماس دیدار او را می‌کنند. گروهی دیگر که "مولا آقا جان" خود یکی از عرفای این مسیر بود، غیر اینها را برای دیدار با آن حضرت جویاست. او نظرش آن است که: بیگانه‌ها را باید از خانه‌ی دل برانند، مزاحم‌ها را برانند، مانع‌ها را برانند، او را بجویند و دلیلی هم آورده. یکی از اولیاء حق در مسجد سهله قریب یک سال در وقت خاص می‌رفت، باشد جمال آن حضرت ببیند. سال به پایان رسید، خواست ناامید گردد، ابزاری که در یکی از گوشه‌های مسجد سهله گردآوری نموده، بر آن شد که از آن اطاقک بردارد و پی کارش رود. و به این نتیجه رسید که او لیاقت دیدار حضرت حجت را ندارد، زیرا اگر

می‌داشت حضرت را می‌دید و حجابی پیدا شد، میان او و حضرتش! در همین حال دریافت کسی جلو در آمد، انگشتش را بسوی آن انسان والا اشاره نمود و فرمود: این کیست که با او نشسته‌ای سخن می‌گویی؟ نمی‌دانی که او نامحرم است؟ این را گفت و از آن در رفت... آن انسان والا پشت سر او دوید، تا به حریمش راه یافت، عرضه داشت: سرور من چه شد که به من اعتراض کردی؟ در همان حال رفتن حضرت جمله‌ای را فرمودند و جمله این بود: ما جایی رویم که درون از هر عیب عاری (یعنی خالی) باشد. درون تو از عیب عاری است ولی چشم تو از عیب عاری نیست. گفت: مولای من کجایش از عیب عاری نیست؟ فرمود: آن کسی را که به عنوان دوست انتخابش کردی، با او نفس می‌کشی، او از ما نیست چگونه من به تو نزدیک شوم؟ برو فکری کن! این را گفت و حضرت ناپدید گشت. لذاست مولا، آقا جان عقیده‌اش بر آن است که : زمانی دیدار با امام زمان میسر است، که چشم و دل از هر عیبی عاری باشند. ولی حضرت عین است، حضرت بقیه الله است، حضرت در مسیر دل است، او به کوی دل سفر می‌کند. گو اینکه این سه مرحله گفته شد بی عیب به نظر آیند، یعنی هر کدام در جای خود درست است. ولی او عزیز سوخته هاست و جان سوزش کننده است. اگر دلی آنقدر به سوز آمد که این سوز، دل را وصل به سوز ولایت نمود، دیدار امکان پذیر است. دیگر نه مکان شرط است - که بعضی گزیده‌اند در آنجا برویم او را ببینیم- نه زمان شرط است -که گویند در روز جمعه باید با او سخن گوئیم- هم مکان مقوم است، و هم زمان مقوم است ولی دیدار او با سوخته دلان است. تا دل‌ها به سوز نیایند جمال او را نخواهند یافت! از سوی دگر پیدایش او با هیاهو درست نیست، آن‌هایی که می‌نشینند به هیاهو مشغولند یامهدی یامهدی می‌گویند و می‌خواهند او را دیدار نمایند، حضرتش با این هیاهوها کم رؤیت می‌شود. آری، نباید نامش را فراموش کنند، گاهی استغاثه کنند، گاهی ناله نمایند، گاهی نامش را ببرند تا نامش گم نشود، نایاب نگردد، ولی دیدارش را از سوی دگر طلبند، از سوی دگر روند، و آن ارتباط سوزش جان با سوزش جان ولایت است. این هم یک مقدمه‌ای راجع به نظراتی که منع از دیدار حضرت را نوعی حجاب می‌دانستند؛ گاهی حجاب کثرت‌ها، گاهی حجاب مزاحم‌ها، و گاهی حجاب دل‌های تاریک، همه اینها را بردارند، با سوز به میدان آیند.

منبع: از سلسله تحقیقات ناب دانشمند معظم دکتر سید علی موسوی